



Evaluating the Efficacy of the Islamic Republic of Iran's Cultural Diplomacy in Central Asian Countries: A Case Study of Turkmenistan and Tajikistan

Saleh Salavarzizadeh

Ph.D. in International Relations, Faculty of Administrative Sciences & Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Mohammad-Ali Basiri

Associate Professor of International Relations, Faculty of Administrative Sciences & Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

Email:basiri@ase.ui.ac.ir

Abstract

The Central Asian region is of strategic, geoeconomic, and geocultural importance. Most countries in this region were part of Iranian territory until the Qajar period. With the occupation of these areas by Tsarist Russia, these countries became part of the Tsarist Russian territory and later the Soviet Union. The Islamic Republic of Iran shares significant historical, cultural, and identity commonalities with the countries of this region. Following the collapse of the Soviet Union and the formation of these republics, the parties sought to establish bilateral and multilateral relations for various reasons. The relations of the Islamic Republic of Iran with these republics have been influenced by various factors and components from the early years of independence to the present. The Islamic Republic of Iran has formulated its foreign policy cultural strategies in the region to achieve its foreign policy objectives in line with its national interests. The research findings, by examining the multiple cultural drivers affecting the relations between the parties and using an "interdisciplinary" approach based on a descriptive-qualitative method, indicate that the cultural diplomacy strategies of the Islamic Republic of Iran in the Central Asian countries (Turkmenistan and Tajikistan) initially emphasized cultural dominance and influence in the minds of the rulers of these lands following their independence. However, over time, the "civilization-oriented" cultural diplomacy of Iran has proven to be friendly for both the people and officials of these republics and is gradually developing.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Central Asia, Cultural Diplomacy, Foreign Policy





سال اول، شماره دوم (پیاپی ۲)، پاییز ۱۴۰۱، صص. ۱-۱۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

مقاله پژوهشی

مبانی تحلیل کارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی؛ مطالعه موردی ترکمنستان و تاجیکستان

صالح سلاووری زاده

دکتری روابط بین الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

محمدعلی بصیری

دانشیار روابط بین الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: basiri@ase.ui.ac.ir

چکیده

منطقه آسیای مرکزی از مناطق دارای اهمیت راهبردی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر می باشد. اکثر کشورهای این منطقه تا دوره قاجار قسمتی از سرزمین ایران بودند. با تصرف این نواحی توسط روسیه تزاری این کشورها جزئی از قلمرو روسیه تزاری و سپس اتحاد جماهیر شوروی شدند. جمهوری اسلامی ایران دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی و هویتی مهمی با کشورهای این منطقه می باشد. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و شکل گیری این جمهوری ها طرفین به دلایل مختلف در پی ایجاد روابط دوجانبه و چندجانبه برآمدند. روابط جمهوری اسلامی ایران با این جمهوری ها از اوایل استقلال تا زمان فعلی تحت تأثیر عوامل و مؤلفه های گوناگونی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف و منافع ملی خود اقدام به طرح ریزی راهبردهای فرهنگی سیاست خارجی خود در منطقه در راستای تأمین اهداف سیاست خارجی خود نموده است. یافته های پژوهش با بررسی پیشران های چندگانه فرهنگی مؤثر بر روابط طرفین و با بهره گیری از رویکردی «بین رشته ای» و بر اساس روش توصیفی-کیفی حکایت از این مهم دارد که راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجموعه کشورهای آسیای مرکزی (ترکمنستان و تاجیکستان) در آغاز استقلال این جمهوری ها سلطه و نفوذ فرهنگی را در ذهن حاکمان این دیار پررنگ کرده بود، اما با گذر زمان دوستانه بودن دیپلماسی فرهنگی «تمدن محور» ایران برای مردم و دولتمردان این جمهوری ها آشکار گردید و به آرامی در حال توسعه می باشد.

کلیدواژه ها: جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی، دیپلماسی فرهنگی، سیاست خارجی.

شابا الکترونیک: ۳۰۴۱-۹۹۷۲ ♦ شورای عالی نظریه پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تأیید شورای عالی نظریه پردازی، نقد و مناظره نیست.

مقدمه

فرهنگ به طور فزاینده‌ای در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی نفوذ می‌کند. دیپلماسی فرهنگی (دیپلماسی بین فرهنگ‌ها) قرن‌ها به عنوان یک رویه وجود داشته است، در حالی که اصطلاح «دیپلماسی فرهنگی» به تازگی ایجاد شده است، شواهدی از وجود آن را می‌توان در طول تاریخ مشاهده کرد که نشان می‌دهد برای قرن‌ها قبل وجود داشته است. کاشفان، مسافران، تاجران، معلمان و هنرمندان را می‌توان نمونه‌های زنده «سفیران غیررسمی» یا «دیپلمات‌های فرهنگی» اولیه دانست. در واقع هر فردی که با فرهنگ‌های مختلف (در حال حاضر یا در گذشته) تعامل داشته باشد، نوعی تبادل فرهنگی را تسهیل می‌کند که می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها مانند هنر، ورزش، ادبیات، موسیقی، علم، تجارت و اقتصاد و فراتر از آن انجام شود. در طول تاریخ، تعامل مردم، تبادل زبان، مذهب، عقاید، هنرها و ساختارهای اجتماعی به طور مداوم روابط بین گروه‌های متفاوت را بهبود بخشیده است. چنین تلاش‌های عمده فرهنگی و ارتباطی را می‌توان به عنوان نمونه‌های اولیه دیپلماسی فرهنگی شناسایی کرد. دیپلماسی فرهنگی امروزه دیگر به حاشیه رشته روابط بین‌الملل تنزل نمی‌یابد، بلکه امروزه یک حوزه تحقیقاتی دانشگاهی پویا و نوآور است و با موفقیت خود را به عنوان یک نظریه و عمل مستقل تثبیت کرده است.

دیپلماسی فرهنگی را می‌توان به عنوان مسیری از اقدامات توصیف کرد که مبتنی بر تبادل ایده‌ها، ارزش‌ها، سنت‌ها و دیگر جنبه‌های فرهنگ یا هویت است، فراتر از آن، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند توسط بخش دولتی، بخش خصوصی یا جامعه مدنی انجام شود. دیپلماسی فرهنگی در عمل (یا دیپلماسی فرهنگی کاربردی) به کارگیری و اجرای نظریه دیپلماسی فرهنگی است که شامل تمام مدل‌هایی است که در طول تاریخ توسط بازیگران فردی، اجتماعی، دولتی یا نهادی اجرا شده است. این مدل‌ها شامل برنامه‌های تبادل فرهنگی متنوع، هیئت‌های بین‌المللی یا مسابقات ورزشی است. صحنه جهانی که به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته است، نیاز به همکاری در سطح جدیدی را برجسته می‌کند و نقش قدرت نرم به عنوان شکلی از دیپلماسی فرهنگی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. بر این اساس دیپلماسی فرهنگی در درجه دوم دیپلماسی سیاسی یا اقتصادی نیست، بلکه به عنوان یک جزء ذاتی و ضروری آن عمل می‌کند. دیپلماسی فرهنگی حوزه سیاستی را تعیین می‌کند که در آن دولت‌ها به دنبال بسیج منابع فرهنگی خود برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی هستند. ماهیت آن اهداف و منابع فرهنگی بسیج شده برای دستیابی به آن‌ها



دستخوش تغییرات تاریخی بوده است و طیفی از اصطلاحات برای تعیین این نوع سیاست‌گذاری در زمینه‌های مختلف ملی و تاریخی به‌کاررفته است. با این وجود، واژه دیپلماسی فرهنگی برای تعیین این حوزه خاص از سیاست خارجی، که اغلب به‌عنوان یکی از اجزای دیپلماسی عمومی گسترده‌تر یک دولت یا به تبعیت از اصطلاحات جوزف نای، «قدرت نرم» آن شناخته می‌شود، مناسب است. کشورهای منطقه آسیای مرکزی در گذشته قسمتی از ایران بزرگ بودند. با شکل‌گیری حکومت تزاری و اتخاذ سیاست‌های توسعه ارضی و دستیابی به آب‌های آزاد و گرم، قلمرو ایران مورد طمع این کشور قرار گرفت. طی دو جنگ در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی مناطق وسیعی از ایران توسط روسیه تزاری تصرف شد که کشورهای فعلی آسیای مرکزی قسمتی از این مناطق بودند. با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی و با وجود اتخاذ سیاست‌های استالین در برخورد با ملیت‌ها، این کشورها بعد از استقلال هویت تاریخی خود را حفظ نمودند. بعد از فروپاشی شوروی و تشکیل پنج جمهوری آسیای مرکزی، ایران اقدام به برقراری رابطه با این جمهوری‌ها نمود. این پژوهش با اتخاذ رویکردی آینده‌پژوهانه و بین‌رشته‌ای به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهش است که: عوامل کارآمدی یا ناکارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه (کشورهای تاجیکستان و ترکمنستان) کدام‌اند.

۱. پیشینه پژوهش

دهقانی فیروزآبادی و دامن‌پاک جامی (۱۳۹۵) باهدف تحلیل رویکردها و استراتژی‌های اقتصادی ایران در این منطقه در یک مقاله پژوهشی این مسئله را مدنظر قرار داده‌اند که اصولاً ایران بعد از استقلال چه مزایا و امتیازات اقتصادی در این کشورها به دست آورده است و چرا در دولت روحانی مباحث اقتصادی در این کشورها در صدر سایر مسائل قرار گرفته‌اند؟ و فرضیه پژوهش هم عمل‌گرایی و سایر اسناد بالادستی را دلیل اولویت مسائل اقتصادی ذکر نموده است. و نهایتاً ذکر می‌کنند که بعد از استقلال این منطقه از جانب تصمیم‌سازان سیاست خارجی توجه مناسبی به این منطقه نشده است. کولایی (۱۳۷۶) در کتابی با عنوان «سیاست و حکومت در آسیای مرکزی» طی ۶ فصل به ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی منطقه آسیای مرکزی پرداخته و روند رخدادهای سیاسی و تاریخی آن را تا فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری‌های مستقل موردبررسی قرار داده است. در فصل دوم ویژگی‌های اقتصادی منطقه و مشکلات زیست‌محیطی مرتبط با بحث اقتصادی

را طرح نموده است. «وست نید»^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «آسیای مرکزی در تصورات ژئوپلیتیک ایران» به تحلیل و بررسی روابط ایران و منطقه بعد از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ می‌پردازد و این رخداد رازمانی می‌داند که ایران در حال تغییر رویکرد سیاست خارجی خود از صدور انقلاب و اهداف مذهبی به عمل‌گرایی اقتصادی بود. نگارنده دغدغه‌های دیپلماسی ایران در پندارهای ژئوپلیتیک را همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای سیاست خطوط لوله، وضعیت دریای خزر و سیاست‌های فرهنگی این کشور در منطقه می‌داند.

«کلارک»^۲ (۲۰۱۵) در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «روابط ایران با جمهوری تاجیکستان در دوره پسا شوروی» به دنبال کشف انگیزه‌ها، اهداف و پیامدهای روابط خارجی ایران با تاجیکستان بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ می‌باشد و در این فرآیند به دنبال درک بهتر موانع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که ایران در تلاش برای ایجاد روابط با تاجیکستان به صورت روابطی در قالب به اصطلاح «پسرعموی بزرگ‌تر» با آن روبرو بوده است. نوشتار تلاش می‌کند مبانی روابط دو کشور را مشخص کند. این پایان‌نامه استدلال می‌کند که روابط دو کشور نه تنها از نداشتن اعتماد و سو تفاهم دوجانبه رنج برده است که تحت تأثیر بی‌ثباتی‌های قابل توجه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. که اغلب توانایی نخبگان ایران و تاجیکستان را برای حفظ روابط دوجانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و استراتژیک دوجانبه در دو دهه گذشته را خنثی کرده است. توکلی و برزگر (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی اقتصادی و سیاست همسایگی ایران و ترکمنستان» در پی پاسخ به این مسئله پژوهش بوده‌اند که: الزامات و ظرفیت‌های سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان کدام‌اند؟ با فرض ایجاد ظرفیت‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همسایگی ترکمنستان برای ایران، این مهم را عاملی جهت رفیع تنگنای اقتصادی و سیاسی ایران در نظر گرفته است. کوهکن و مؤمنی فرد (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی زمینه‌های همگرایی ایران و ترکمنستان» به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که زمینه‌های همگرایی ایران و ترکمنستان کدام‌اند؟ و به این نتیجه رسیده‌اند که پیوستگی سرزمینی و سوابق فرهنگی مشترک زمینه همگرایی دو کشور را ایجاد خواهد نمود.



با بررسی پژوهش‌های فوق مشاهده می‌شود که نویسندگان هرکدام از یک زاویه خاص به روابط ایران و ترکمنستان و تاجیکستان پرداخته‌اند و اطلاعات مفیدی هم ارائه نموده‌اند اما اکثر منابع تک‌بعدی و بدون توجه به عنصر آینده‌پژوهی به موضوع پرداخته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر تحلیل و آسیب‌شناسی همه‌جانبه و آینده‌پژوهانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو جمهوری ترکمنستان و تاجیکستان می‌باشد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

آینده‌پژوهی مطالعه سامان‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و ترجیحی در قالب جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌هایی است که زیربنای هر آینده است. در پنجاه اخیر مطالعه آینده از پیش‌بینی آینده به ترسیم آینده‌های جایگزین و شکل‌دهی آینده‌های مطلوب حرکت کرده است (Inayatullah, 2013:37). آینده‌پژوهی روش علمی پیش‌بینی آینده است. برای پیش‌بینی آینده، باید سناریوی کنونی و تمام عرصه‌هایی که در شکل‌دهی هر جنبه‌ای از حال مرتبط هستند، را درک کرد. یک مطالعه آینده‌پژوهانه به بررسی این موضوع می‌پردازد که چه چیزی را می‌توان ادامه داد؟ چه چیزی را می‌توان تغییر داد؟ بنابراین می‌توان گفت که این رشته به دنبال بررسی سامانمند زمان گذشته و حال است. همچنین هدف آن تعیین معقول بودن شرایط و تمایلات آینده است. آینده‌پژوهی یک حوزه «بین‌رشته‌ای» است که تغییراتی را که در گذشته رخ داده و تغییراتی که انتظار می‌رود رخ دهد را مطالعه می‌کند. استراتژی‌ها، حدس و گمان‌های معمولی و مناسب برای فردا را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند. برای دستیابی به آینده‌های محتمل، منابع، الگوها و علل تغییر و ثبات را تجزیه و تحلیل می‌کند (Singh, 2017:1).

رهیافت نظری پژوهش متشکل از دو مدل «برنامه‌ریزی راهبردی» و «مدیریت راهبردی» به نام مدل «سوات^۱» و «پستل^۲» به‌عنوان ابزار پژوهش و آینده‌پژوهی (سناریوسازی)^۳ به‌عنوان فن پژوهش به بررسی و آسیب‌شناسی کارآمدی یا عدم کارآمدی دیپلماسی فرهنگی ایران در دو جمهوری ترکمنستان و تاجیکستان و طرح سناریوهای محتمل و ممکن سیاست خارجی ایران و

1. SWOT
2. PESTEL
3. Scenario Building

سپس ارائه راهکارهای مناسب جهت موفقیت سیاست خارجی ایران در این دو جمهوری خواهد پرداخت. مدیریت راهبردی شامل تدوین و اجرای اهداف و ابتکاراتی است که مدیران عالی یک سازمان بر اساس در نظر گرفتن منابع و ارزیابی محیط داخلی و خارجی که سازمان در آن فعالیت می کند، انجام می دهند (Nag, Hambrick and Chen, 2007: 935). مدیریت راهبردی می تواند به عنوان مجموعه ای از نظریه ها و چارچوب ها با پشتیبانی ابزارها و فن ها طراحی شود تا به مدیران سازمان ها در تفکر، برنامه ریزی و اقدام راهبردی کمک کند (Qehaja, Kutillovci and Pula, 2017: 585) که در گسترده ترین و عمومی ترین تعریف به عنوان «برنامه عملیاتی» تعریف می شود. فرهنگ لغت «آکسفورد»^۱ استراتژی را چنین تعریف می کند: «طرحی که برای دستیابی به هدفی خاص در نظر گرفته شده است» (Simeone, 2020: 515-534).

مدل سوات ابزاری است که برای برنامه ریزی راهبردی در سازمان ها و دولت ها استفاده می شود. دولت ها مجموعه هایی هستند که با محیط خود در تعامل هستند و از زیرسیستم های مختلفی تشکیل شده اند، به این معنا که یک دولت یا سازمان در دو محیط فعالیت دارد، یکی در خود و دیگری در محیط خارج. تجزیه و تحلیل این محیط ها برای شیوه های مدیریت راهبردی و پی ریزی استراتژی ها یک ضرورت است (Gurel and Tat, 2017: 995). این مدل یک ابزار تجزیه و تحلیل استراتژی کلاسیک بر اساس چهار مؤلفه است: نقاط قوت، ضعف در داخل، فرصت ها و تهدیدات محیطی. (Isoherranen, 2012: 25) بر اساس مدل سوات چهار راهبرد در سیاست خارجی قابل تشخیص می باشد:

- ✓ راهبرد (SO) یا تهاجمی^۲: کشورها با تأکید بر نقاط قوت داخلی سعی می کنند از فرصت های محیطی نهایت استفاده را ببرند.
- ✓ راهبرد (ST) یا اقتضایی^۳: کشورها با استفاده از نقاط قوت داخلی سعی می کنند با تهدیدهای محیطی مقابله کنند.
- ✓ راهبرد (WO) یا انطباقی^۴: با استفاده از فرصت های محیطی می کوشند نقاط ضعف داخلی را ترمیم کنند.

1. Oxford
2. Offensive
3. Contingent
4. Adaptive



✓ راهبرد (WT) یا تدافعی^۱: کاهش چالش‌های محیطی و ضعف‌های داخلی مؤلفه‌های این راهبرد هستند. در این استراتژی دولت‌ها سیاست خارجی منفعلی دارند (سلاورزی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۸).

تجزیه و تحلیل پستل یک چارچوب استراتژیک است که معمولاً برای ارزیابی عوامل محیطی استفاده می‌شود که مخفف عبارات سیاسی^۲، اقتصادی^۳، اجتماعی^۴ و فناوریانه^۵ بود که در سال‌های اخیر عوامل محیطی و حقوقی نیز به مجموعه عوامل محیطی اضافه شد این مدل می‌تواند در طیف وسیعی از سناریوهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد و می‌تواند تصمیم‌گیران و مدیران ارشد را در تصمیم‌گیری استراتژیک راهنمایی کند (Peterdy, 2022: 23).

۳. تعیین و تحلیل پیشران‌های فرهنگی

تاکنون تعاریف زیادی از واژه فرهنگ ارائه شده است. اصطلاح فرهنگ از کلمه لاتین cult یا cultus گرفته شده است که به معنی کشت یا پرورش یا پالایش است. منظور از پرورش یا پالایش چیزی است که محصول نهایی آن باعث احترام و تحسین افراد شود. در یک تعریف فرهنگ به محیط ساخته شده توسط انسان اطلاق می‌شود که شامل محصولات مادی و غیرمادی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. یا در تعریفی دیگر فرهنگ به الگوهای منتقل شده تاریخی از معانی تجسم یافته در نمادها اطلاق می‌شود، که به وسیله آن‌ها افراد ارتباط خود را حفظ کرده و دانش خود را توسعه می‌دهند. صرف نظر از تفاوت آن‌ها از نظر عوامل مختلف فرهنگ وحدت بین افراد را تقویت می‌کند. (Kapur, 2020: 4).

با توجه به اصول و مبانی آینده‌پژوهی پیشران‌ها نیروهای اصلی و مهم تشکیل‌دهنده آینده جهان هستند و چنان‌که ذکر شد، پیشران‌ها تأثیری غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف آینده‌پژوهی دارند. به سخنی دیگر پیشران‌ها متشکل از چند روند هستند که باعث ایجاد تحول و تغییر در یک حوزه می‌شوند. بالطبع در ارتباط با سیاست خارجی ایران در چارچوب «نقشه راه پژوهش»

1. Defensive

2. Political

3. Economic

4. Social

5. Technological

مؤلفه‌های مهمی در محیط داخلی ایران و محیط کشورهای منطقه آسیای مرکزی (ترکمنستان و تاجیکستان) هستند، که تأثیر عمده‌ای بر موفقیت و عدم موفقیت سیاست خارجی ایران در این کشورها دارند. در این پژوهش تحلیل و بررسی پیشران‌های فرهنگی ایران در دو کشور ترکمنستان و تاجیکستان موضوع اصلی هستند.

۳-۱. تاجیکستان

روابط ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی ریشه در تاریخ این منطقه دارد، با فروپاشی اتحاد شوروی مجدداً شرایط برای احیای پیوند های تاریخی فراهم آمد. ایران از سال‌های پایانی حکومت اتحاد شوروی حضور و نفوذ خود در آسیای مرکزی را گسترش داد (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۴۱). بعد از سقوط شوروی، ایران با توجه به اشتراک هزاران ساله زبانی، فرهنگی و اجتماعی که با تاجیکستان دارد، توجه خود را بیشتر به سمت این جمهوری معطوف کرد (Alkin, 2013: 361). تمرکز تلاش‌های ایران بیشتر در مناطقی با میراث تاریخی، فرهنگی و زبانی مشترک تاجیکستان و مناطقی از ازبکستان بوده است (Duarte, 2014: 120). لازمه ایجاد روابط سیاسی مستحکم با این کشور فعالیت دستگاه دیپلماسی کشور برای توسعه روزافزون ارتباط با این کشور با محور دیپلماسی فرهنگی بود (رئیس، ۱۳۹۴: ۱۵۳). ریشه‌های تاریخی یکسان، زبان مشترک و دین واحد در کنار تشابه سنت‌ها، آیین‌ها و باورهای اجتماعی ملی، شرایط بی‌بدیلی را برای توسعه مناسبات فرهنگی میان دو کشور فراهم کرد. لذا در تبیین روابط بین دو ملت ایران و تاجیکستان شاید بتوان گفت فرهنگ مشترک این دو کشور حکم بستری را دارد که سایر ابعاد و جوانب بر روی آن استقرار می‌یابد (سایت سفارت ایران در تاجیکستان، ۱۳۹۷/۱۲/۹).

۳-۲. ترکمنستان

مشترکات تاریخی و فرهنگی، یکی از عوامل تأثیرگذار در توسعه روابط ایران و ترکمنستان می‌باشد. امضای قراردادهای فرهنگی میان روسای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان در سال ۱۳۷۱ و به دنبال آن مشارکت گروه‌های فرهنگی ایران در مراسم جشن استقلال ترکمنستان و کنفرانس‌های علمی این کشور، تبادلات علمی و فرهنگی میان دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مختوم قلی عشق‌آباد، همچنین سفر هیئت تاریخ‌دانان ترکمنستان به ایران در سال ۱۳۷۴ سفر



وزیر آموزش و پرورش این کشور به ایران نمونه‌هایی از روابط فرهنگی دو کشور است. در سال ۱۳۸۱ موافقت‌نامه همکاری‌های بلندمدت اقتصادی بازرگانی، علمی، فنی و فرهنگی بین دو کشور امضا شد که طی آن طرفین توافق کردند هر دو سال یکبار برنامه مبادلات فرهنگی، آموزشی و علمی بین دو کشور به‌منظور گسترش همکاری در زمینه رسانه رادیو و تلویزیون، هنری، باستان‌شناسی، نسخ خطی، ادبیات و توسعه زبان‌های ملی، جهانگردی، ورزشی و برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ذی‌ربط را تدوین نمایند (دهشیری، طاهری، ۱۳۹۵: ۲۶).

روابط فرهنگی ایران و ترکمنستان در آغاز استقلال این کشور در سطح بسیار مطلوبی قرار داشت. تاریخ و فرهنگ و پیشینه مشترک باعث نزدیکی دو ملت ایران و ترکمنستان شده است. روابط سیاسی ایران و ترکمنستان به‌ویژه در سال‌های آغازین استقلال و در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بسیار نزدیک دنبال می‌شد، و این نزدیکی روابط سیاسی منجر به تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی دو ملت و دولت شده بود. روند مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور بعد از مدتی به دلایل کاملاً سیاسی - اقتصادی جذابیت‌های خود را ازدست‌داده و تبدیل به رقابت‌های سیاسی و اقتصادی شده است و مشخصاً «رویداد» اختلافات گازی و اختلافات در بحث رژیم حقوقی دریای خزر «ماه‌عسل» روابط دو کشور را وارد مرحله رقابتی نموده است.

۴. راهبردها و سناریوهای سیاست خارجی ایران

بر اساس پیشران‌ها، روندها، رویدادها و تصاویر این استراتژی‌ها و سناریوها برای دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان و ترکمنستان قابل طرح می‌باشد.

۴-۱. تاجیکستان

با تحلیل مجموع پیشران‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و جمهوری تاجیکستان نسبت به هم می‌توان گفت که استراتژی ایران در این کشور در دوره هاشمی رفسنجانی ST یا «راهبرد اقتضایی» بود. در این راهبرد ایران سعی نمود، تهدیدات سیاسی محیط تاجیکستان چون: حضور روسیه به‌عنوان قدرتی رقیب، نظام‌های سیاسی با شالوده متفاوت، دیدگاه اولیه منفی سیاستمداران تاجیکستان نسبت به حضور ایران، پیامدهای جنگ داخلی تاجیکستان، رقبای منطقه‌ای چون ترکیه

را با به کار گرفتن نقاط قوت داخلی چون دیپلماسی قوی و قرابت فرهنگی و تاریخی تبدیل به فرصت کند.

در دوره اول دولت خاتمی با تمرکز سیاست خارجی ایران بر ترمیم روابط با غرب، تاجیکستان در تفکرات استراتژیک دولت‌مردان ایران نقش چندانی نداشت. دور از واقعیت نیست اگر عنوان شود در این دوره ما فاقد راهبرد سیاست خارجی خاصی در تاجیکستان بوده‌ایم. اما دوره دوم از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ راهبرد سیاست خارجی ایران، راهبرد ST بود. با حضور ایالات متحده آمریکا در تاجیکستان و افغانستان بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، ایران در راهبردی «عکس‌عملی» یا «اقتضایی» حضور خود در تاجیکستان را افزایش داد. در دوره احمدی‌نژاد باید گفت که هرچند بر اساس ادعای احمدی‌نژاد روابط دو کشور همچون یک روح در دو کالبد بود و باید سیاست خارجی ایران در قالب راهبرد SO تحلیل شود، اما در عمل راهبردی که در دوره اول دولت احمدی‌نژاد به کار گرفته شد، ST بود. دولت اول احمدی‌نژاد با استفاده از درآمدهای هنگفت نفتی که با بالا رفتن قیمت نفت حاصل شده بود، با اختصاص سرمایه زیادی به طرح‌های زیربنای تاجیکستان در ظاهر روابط مستحکمی با این کشور ایجاد کرده بود. اما در دوره دوم دولت ایشان با اعمال تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه علیه ایران، توان داخلی دولت احمدی‌نژاد برای سرمایه‌گذاری کاهش یافت و محیطی تهدید زا در تقابل با سیاست خارجی ایران ایجاد شد. به این خاطر راهبرد WO سرلوحه سیاست خارجی احمدی‌نژاد قرار گرفت. در این زمان احمدی‌نژاد سعی داشت ضعف‌های داخلی ایجادشده به علت تحریم‌های همه‌جانبه را با استفاده از فرصت‌های محیط از جمله تاجیکستان ترمیم کند، اما عملاً موفقیت‌آمیز نبود. در تحلیل راهبرد سیاسی سیاست خارجی ایران در دوره روحانی باید گفت با اتمام دوره احمدی‌نژاد و باقی ماندن تحریم‌های همه‌جانبه، ایران عملاً از نظر داخلی توان ادامه سرمایه‌گذاری در کشور تاجیکستان را نداشت و با رخ دادن حوادث مخرب فوق‌الذکر، محیط تاجیکستان بیش از آن‌که فرصت زا باشد، باعث زنده شدن تهدیداتی گردید که بعضاً ریشه در شالوده نظام‌های سیاسی دو کشور داشتند. راهبرد WT در دستور سیاست خارجی قرار گرفت. بر اساس این راهبرد ایران سیاستی منفعلانه باهدف کاستن از تهدیدات محیطی و برطرف نمودن ضعف‌های داخلی اتخاذ کرد. هرچند با سفر رئیس‌جمهور ایران به تاجیکستان در سال ۱۳۹۸ و مذاکراتی مثبت با رئیس‌جمهور تاجیکستان و انتخاب سفرای جدید دو کشور و سفر وزرای خارجه طرفین باوجود تحریم‌های شدید یک‌جانبه آمریکا علیه ایران نسیم ترمیم روابط طرفین

به آرامی وزیدن گرفته است. و پایان دولت روحانی و روی کار آمدن آقای رئیسی و در ادامه سفر ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به این کشور در ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ جهت شرکت در نشست سازمان همکاری شانگهای و قبول عضویت دائمی ایران در این سازمان که برخلاف سال‌های قبل مخالفت تاجیکستان را در مقابل خود ندید، رویدادی مهم و نقطه عطفی در روابط دو کشور به حساب می‌آید که نتایج آن در آینده در بهبود روابط دو کشور نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

۴. ۱. ۱. سناریوهای سیاست خارجی ایران در جمهوری تاجیکستان

سناریوهای سیاست خارجی ایران در جمهوری تاجیکستان با تکیه بر پیشران‌ها، روندها، رویدادها و تصاویر این سناریوها برای سیاست خارجی ایران در تاجیکستان قابل تصور می‌باشد:

سناریوی اول: «سناریوی بدون شگفتی»

در این سناریو فرض می‌شود که روندهای جاری بدون تغییرات مهم به مسیر عادی خود ادامه خواهند داد و به نوعی روابط دو کشور در سطح فعلی باقی خواهد ماند. این نوع از سناریو در گروه سناریوهای ایستا قرار می‌گیرد.

سناریوی دوم: «محتمل‌ترین حالت مطلوب»

با توجه به سفر رئیس‌جمهور ایران در خرداد ۱۳۹۸ به تاجیکستان و دیدار با رئیس‌جمهور تاجیکستان و تأکید طرفین بر توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی، بازسازی روابط پیشین و تقویت همکاری‌های تهران و دوشنبه و در مقابل استقبال گرم رئیس‌جمهور تاجیکستان از آقای روحانی و تأکید رحمان بر توسعه مناسبات با ایران، به ویژه در حوزه اقتصاد و با مشارکت بخش خصوصی ایران و همچنین سفر آقای رئیسی ریاست جمهوری ایران به این کشور و عدم مخالفت این کشور با عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای انتظاری رود یخ روابط دو کشور آب شده و آرام آرام روابط طرفین به سطح مطلوبی ارتقاء خواهد یافت. در تحلیل این سناریو باید گفت سیاست خارجی ایران در تاجیکستان همواره تحت تأثیر ساختار بین‌الملل و خصوصاً تهدیدات ناشی از خصومت آمریکا با ایران بوده است. در این سناریو که جز طیف سناریوهای «مطلوب» قرار می‌گیرد، این سناریو احتمال بالای وقوع خواهد داشت.



سناریوی سوم: «محتمل ترین حالت نامطلوب»

با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر سیاست بین‌المللی و محیط پیرامونی ایران و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و قاعده‌تأثیر آن بر روابط ایران و تاجیکستان، روابط فعلی رونق چندانی نخواهد یافت و همین روند سردی روابط ادامه پیدا خواهد کرد و البته انتظار نمی‌رود روابط طرفین بیش‌ازپیش تیره و سرد گردد. این سناریو در ردیف سناریوهای «ایستا» قرار می‌گیرد.

سناریوی چهارم: «بدترین حالت محتمل»

تحت تأثیر ساختار فعلی سیاست بین‌المللی و ادامه تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا، ترس سایر کشورها از ایجاد تعاملات اقتصادی، سیاسی... با ایران، رویکرد تاجیکستان نسبت به ایران از وضعیت سردی وارد فاز خصمانه شده و بیش‌ازپیش زمینه حضور رقبای منطقه‌ای ایران یعنی عربستان سعودی و اسرائیل در راستای ضربه به ایران در تاجیکستان فراهم خواهد شد.

۵. ترکمنستان

گفتیم که در تحلیل سوات و پستل ما باید پاسخی منطقی و مستدل برای سؤالات مرتبط پیدا کنیم و نهایتاً با استفاده از این پاسخ‌ها اقدام به استخراج سناریوهای مرتبط کنیم. یک سؤال که مستخرج از مدل سوات و پستل می‌باشد به این صورت است که: ما چه نقاط قوت داخلی داریم، که به آن تکیه کنیم؟ کدام نقطه قوت را نادیده گرفتیم؟ و سؤال دوم به این صورت است: چه فرصتهایی محیطی داریم؟ ما چه کار کرده‌ایم؟ آیا موفق به استفاده از آن‌ها شده‌ایم؟ اگر پاسخ دو سؤال فوق مثبت باشد، ما توان استفاده از استراتژی تهاجمی در سیاست خارجی داریم که تحت عنوان (SO) از آن یاد می‌شود. این استراتژی زمانی است که کشورها با استفاده از نقاط قوت داخلی قصد دارند از فرصت‌های محیطی استفاده کنند. حال در ارتباط با سیاست خارجی ایران در ترکمنستان ما در فصل سوم و در قسمت پیشران‌ها نقاط قوت داخلی و فرصت‌های محیطی ایران و ترکمنستان را فهرست کردیم، والان باید استراتژی تهاجمی مرتبط را استخراج نموده و مشخص کنیم آیا ایران در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موفق با عملی کردن این استراتژی شده است یا خیر؟

در عمل مشاهده می‌شود، ایران از همان آغاز استقلال ترکمنستان که روابط رسمی خود با این کشور را آغاز کرد، تقریباً اقدام به استفاده از تمام فرصت‌های فوق نموده است و اقدامات زیربنای

زیادی هم انجام شده است. و در بحث استراتژی فرهنگی با بررسی پیشران‌های فرهنگی دو کشور در ارتباط باهم شاهد روابطی آرام و بدون چالش عمده‌ای بوده‌ایم که تداعی‌کننده استراتژی قدرتمند SO در رأس دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور می‌باشد.

۵-۱. سناریوهای سیاست خارجی ایران در جمهوری ترکمنستان

با تکیه بر پیشران‌ها، روندها، رویدادها و تصاویر این سناریوها برای سیاست خارجی ایران در ترکمنستان قابل ذکر می‌باشد.

سناریوی اول: «سناریوی بدون شگفتی»

در این سناریو فرض می‌شود که روندها و تصاویر جاری بدون تغییرات مهم و رخ دادن «رویدادی خاص» به مسیر فعلی خود ادامه خواهند داد و به نوعی روابط دو کشور در سطح فعلی و با همین وضعیت ارتباط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باقی خواهد ماند. این نوع از سناریو در گروه سناریوهای ایستا قرار می‌گیرد

سناریوی دوم: «محتمل‌ترین حالت مطلوب»

در این سناریو انتظار می‌رود با توجه به پیروزی آقای رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری و تمرکز بیشتر سیاست خارجی ایشان بر استراتژی «نگاه به شرق»، «شعارچندجانبه‌گرایی اقتصادی» و «سیاست همسایگی» و همچنین توافق روسای جمهور ایران و ترکمنستان در نشست ۱۴۰۰ سازمان شانگهای در ارتباط با اختلافات گازی، و واردات گازی از این کشور مجدداً از سر گرفته شده، که درواقع هم نیازهای داخلی انرژی را برطرف می‌کند و هم مفری برای شکست انزوای حاصل از تحریم‌های امریکا می‌باشد و نهایتاً روابط دو کشور به سمت رونق مجدد پیش خواهد رفت.

سناریوی سوم: «محتمل‌ترین حالت نامطلوب»

با توجه به آنکه بر اساس پیشران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و وجود نقاط قوت فراوان داخلی و فرصت‌های گسترده ترکمنستان برای ایران روابط دو کشور باید درحد بسیار مطلوبی باشد، اما با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر سیاست بین‌المللی و محیط پیرامونی

ایران، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و قاعده‌تأثیر آن بر روابط ایران و ترکمنستان، بحث بدهی‌های گازی ایران به این کشور و قطع جریان گاز توسط ترکمنستان و سایر دلایل این رابطه در حال حاضر در سطح مطلوبی قرار ندارد و حتی ایران جز ده شریک اقتصادی این کشور هم به حساب نمی‌آید، ماندن در همین سطح از روابط خود از محتمل‌ترین حالت‌های نامطلوب مابین دو کشور می‌باشد.

سناریوی چهارم: «بدترین حالت محتمل»

با توجه به آنکه استراتژیک‌ترین بخش از روابط دو کشور به خرید گاز این کشور توسط ایران و بحث انتقال گاز این کشور و همچنین مسیرهای انتقال انرژی مربوط می‌شود، در بدبینانه‌ترین حالت ترکمنستان تصمیم به کنار گذاشتن کلی ایران از برنامه‌های انرژی خود خواهد نمود و محصوریت جغرافیایی خود را از طریق چین، روسیه و مسیرهای منتهی به دریای خزر برطرف خواهد نمود. با توجه به این وضعیت ایران ۵۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری در صنایع گازی جهت برطرف نمودن کسری گاز مصرفی نیاز خواهد داشت و با ادامه روند تحریم‌ها، زمستان ۱۴۰۰ شاهد قطع گسترده گاز مصرفی و افزایش آلودگی هوا به خاطر مصرف مازوت جهت ادامه فعالیت نیروگاه‌ها خواهیم بود.

سناریوهای «مطلوب (مرجح)»

مطلوب‌ترین سناریو در جهت تأمین منافع ملی ایران در کشور ترکمنستان دو توافق عمده را در دل خود جای می‌دهد؛ توافق ایران در بحث مسئله هسته‌ای خود و برچیده شدن تحریم‌های ایالات متحده علیه این کشور و عادی شدن روابط ایران با جهان و توافق دوم مربوط به توافق بر سر قیمت گاز وارداتی از کشور ترکمنستان به دنبال توافق روسای جمهور دو کشور در نشست سازمان همکاری شانگهای در ۱۴۰۰ و در نتیجه برطرف نمودن نیازهای انرژی ایران در زمستان ۱۴۰۰ و نهایتاً تبدیل شدن ایران به کشور شریک عمده اقتصادی این کشور خواهد بود.

نتیجه‌گیری

استقلال کشورهای آسیای مرکزی از یک‌سو درهائی جهان را بر روی آن‌ها باز کرد و از سوی دیگر، به بازیگران خارجی این فرصت را داد که حوزه‌های نفوذ خود را در منطقه جدیدی گسترش دهند. ایران کشوری است که همچون سایر کشورها برای گسترش نفوذ خود در جهان و همچنین توسعه روابط اقتصادی با دیگر کشورها تلاش می‌کند. اگر غرب آسیا را حوزه منافع اصلی و تقریباً حساس ایران به حساب آوریم؛ آسیای مرکزی نیز بعد از فروپاشی اتحاد شوروی تبدیل به یکی دیگر از حوزه‌های منافع ملی بااهمیت ایران شده است. ایران در نظام روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی از جایگاه مهمی برخوردار است، اما در مقایسه با شرکای اصلی آسیای مرکزی (چین، روسیه، اتحادیه اروپا) از جایگاه مناسبی در سپهر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه برخوردار نبوده است، و در مقایسه با قدرت‌های منطقه‌ای چون ترکیه و عربستان سعودی رقابت تنگاتنگی با این کشورها جهت نفوذ در منطقه داشته است. این مهم باعث ایجاد انگیزه در نگارنده گردید تا به آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی سیاست خارجی ایران در کشورهای منطقه (تاجیکستان و ترکمنستان) بپردازد. در این راستا سؤال پژوهش به این صورت مطرح شد که: عوامل کارآمدی یا ناکارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه (کشورهای تاجیکستان و ترکمنستان) کدام‌اند.

مشاهده شد که جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان دارای فرهنگ و تاریخ مشترک می‌باشند. زبان فارسی یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر روابط دو کشور در همه زمینه‌ها می‌باشد و ستون اصلی و استوار دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور می‌باشد. هرچند عوامل سیاسی چندی بر دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور تأثیر منفی گذاشته است اما این عوامل موفق به جلوگیری از نفوذ دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور نشده‌اند.

تحلیل پیشران‌های فرهنگی ایران و ترکمنستان نشان می‌دهد که محیط این کشور بیشتر تأمین‌کننده فرصت برای حضور سیاست خارجی ایران در این کشور بوده است. هرچند دو کشور دارای تشابه زبانی و مذهبی نمی‌باشند اما تاریخ و هویت تاریخی مشترک به‌عنوان دو عضو از ایران فرهنگی بزرگ، مهم‌ترین و مؤثرترین متغیر در روابط فرهنگی دو کشور می‌باشد.

تحلیل پیشران‌های فرهنگی - اجتماعی ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی (تاجیکستان و ترکمنستان) حکایت از این مهم دارد که طرفین دارای هویت تاریخی مشترک، زبان و دین مشترک

به‌عنوان پیشران‌های مثبت هستند کشورهای منطقه آسیای مرکزی در بعد فرهنگی پیشران‌های تهدیدزایی چون تروریسم، افراط‌گرایی، جدایی‌طلبی را دارا می‌باشند که بعضاً پیشران‌های مثبت فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده است. در کل می‌توان ادعا کرد ریل‌گذاری حضور ایران بر مبنای دیپلماسی فرهنگی بناشده است و جز در چند مورد در اکثر موافق به‌صورت فرصتی مطلوب عمل نموده است.



فهرست منابع

- دهشیری، محمدرضا و طاهری، مهدی (۱۳۹۵)، *دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی*، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۴.
- سلاورزی زاده، صالح؛ وثوقی، سعید؛ بصیری، محمدعلی؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۹)، *آسیب‌شناسی «آینده‌پژوهانه» سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان*، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۱۰.
- کولایی طبرستانی، الهه (۱۳۷۶)، *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی*، تهران: انتشارات سمت.
- کوهکن، علیرضا؛ مؤمنی فرد، یوسف (۱۳۹۹)، *بررسی زمینه‌های همگرایی ایران و ترکمنستان*، دانش‌تفسیر سیاسی، دوره ۴، شماره ۲۲.

References

- Chen, Shu-Hsiang, Nasongkhla, Jaitip and Donaldson, J. Ana. (2018), " A Strategic Planning Process Model for Developing Open Educational Resources", International Journal of Information and Education Technology, Vol. 8, No. 5,362-368.
- Duarte, P. & Afonso, B. (2014). "Iran and Turkeyin Central Asia", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol.5,No2,109-133.
- Gurel, Emet & Tat, Merba(2017), " Swot Analysis: A Theoretical Review", The Journal of International Social Research, Vol. 10, No. 51,995-1006.
- Isoherranen, V. (2012). "Strategy analysis frameworks for strategy orientation and focus", University of Oulu.
- Kapur, Radhika(2020), "Meaning and Significance of Culture", Available at:[http://](http://researchgate.net)(PDF) Meaning and Significance of Culture (researchgate.net), (Access 2 December2020).
- Peterdy.K. (2022). "PESTEL Analysis", Overview, Strategies and Practical Examples (corporatefinanceinstitute.com).
- Qehaja, Albana Berisha, Kutllovci, Enver, Pula, Justina Shiroka, (2017), "Strategic anagement Tools and Techniques Usage: a Qualitative Review", Acta Universitatis Agriculturae et Silviculturae Mendelianae Brunensis, Vol. 65,No. 2, 585–600.
- Simeone, Luca (3 July 2020). "Characterizing Strategic Design Processes in Relation to Definitions of Strategy from Military, Business and Management Studies". The Design Journal. Vol. 23, No. 4, 515–534.
- Singh, Roma & Yadav, Yashvant(2018)," Perspective of Futurology and its Implication in Education", Global Journal of Enterprise Information System, Available at:https://www.researchgate.net/publication/328925971_Perspective_of_Futurology_and_its_Implication, (Access 21 December2020).